یادداشت

مالیات حق‌الضرب

تیمور رحمانی

از نظر اقتصادخوانده‌ها دولت در حالت کلی دو نوع مالیات می گیرد که عبارتند از مالیات‌های متعارف(مانند مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات بر سود شرکت‌ها، مالیات بر درآمد اجاره، مالیات بر ارث، مالیات بر ارزش افزوده و...) و مالیات حق‌الضرب یا مالیات ناشی از انحصار انتشار پول از سوی دولت. منظور از مالیات از نوع حق‌الضرب آن است که دولت با انتشار پول و لذا قرض کردن امکان خرید کالاها و خدمات از اشخاص را پیدا می کند که با توجه به رشد اقتصادی و افزایش نیاز به پول نیازی به بازپرداخت این قرض کردن ندارد و به این ترتیب گویی از اشخاص مالیات گرفته است.

چنانچه تورم وجود داشته باشد، این نوع مالیات تشدید می‌شود، چرا که با ایجاد تورم از ارزش واقعی بدهی دولت به مردم(که همان پول منتشره دولت یا پایه پولی است) کاسته می‌شود و گویی به این ترتیب نیز دولت از اشخاص مالیات گرفته است. در دو دهه اخیر با کاهش شدید متوسط نرخ تورم در سطح جهان(اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه) توسل دولت‌ها به مالیات از نوع حق‌الضرب و به‌ویژه مالیات تورمی به‌طور چشمگیری کاسته شده است. از طرف دیگر، در اقتصاد ایران از شروع دهه ۱۳۵۰ با وجود تورم‌های غالبا دورقمی، مالیات تورمی و حق‌الضرب بالا و قابل توجه بوده و با وجود اینکه در دو سال اخیر تورم تک‌رقمی بوده نیروی ایجاد تورم محدود نشده بلکه صرفا مدتی به تاخیر افتاده است. در اینجا هدف پرداختن به این موضوع نیست که دولت توسل به مالیات از نوع حق‌الضرب را متوقف کند یا خیر، چرا که در تحلیل‌های اقتصاد پولی نشان داده می‌شود تحت شرایطی استفاده از حق‌الضرب و مالیات تورمی بر مالیات‌های متعارف ارجح است گرچه حتی در آن چارچوب نیز استفاده از مالیات تورمی نمی‌تواند قابل توجه باشد. هدف نوشتار حاضر پرداختن به این موضوع است که آیا مالیات بر عایدی سرمایه که این روزها بحث آن داغ است و احتمال دارد به زودی تبدیل به قانون شود امکان کمک به سیاست‌گذار برای کنترل سوداگری یا سفته‌بازی را دارد یا خیر؟

اگر تصور کنیم که در یک اقتصاد بدون رشد قابل ذکر بهره‌وری و با رشد اقتصادی پایین و در عین حال با رشد بالای کمیت‌های پولی امکان دستیابی به تورم پایین و پایدار وجود دارد، حقایق آماری اقتصاد ایران بلافاصله پاسخ منفی قاطع خود را پیش روی ما می گذارد. حقایق آماری نشان می‌دهد افزایش کمیت‌های پولی و از جمله نقدینگی نهایتا منجر به افزایش قیمت کالاها و خدمات، قیمت مسکن، قیمت ارز و طلا، قیمت سهام و هر نوع دارایی دیگر می‌شود، گرچه ضرورت ندارد افزایش قیمت‌های مورد اشاره همزمان و متناسب باشد. این نیز باید اشاره شود که در چهار سال اخیر ادعا شده است خلق نقدینگی از سوی بانک‌ها انجام شده است، بنابراین بانک مرکزی به خلق پول نپرداخته است و تورم نیز پایین بوده است و در آن صورت مالیات تورمی و حق‌الضرب با اهمیت نبوده است. اگر بپذیریم که افزایش کمیت‌های پولی سرانجام منجر به افزایش قیمت کالاها و خدمات و دارایی‌ها می‌شوند، آنگاه منشأ اصلی سفته‌بازی در اقتصاد ایران تحولات کمیت‌های پولی است که مقصر آن دستگاه قانون گذاری، تصمیم گیری و اجرایی است، نه اشخاصی که به دلیل تلاش برای حفظ ارزش دارایی خود و کسب سود از فرصت افزایش قیمت‌ها به سفته‌بازی می‌پردازند. همچنین، اگر چنین است آنگاه تا منشأ بی ثباتی اقتصاد کلان و افزایش قیمت‌ها که همان رشد بالای کمیت‌های پولی است حذف نشود سفته‌بازی و جهش‌های قیمتی بخش جدانشدنی اقتصاد ایران است. تصور حذف این سفته‌بازی و جهش قیمتی از طریق توسل به مالیات و به‌ویژه مالیات بر عایدی سرمایه تصوری به دور از واقع است. مالیات بر عایدی سرمایه می تواند سودمند باشد اما سودمندی آن نه برای حذف سفته‌بازی بلکه برای بازتوزیع درآمد است و بنابراین بهتر است در چارچوب کلی نظام مالیاتی طراحی شود، نه به‌صورت یک متمم ناشی از استیصال. توسل به مالیات عایدی سرمایه برای حذف سفته‌بازی به معنی افزایش هزینه مبادله برای تبدیل دارایی‌ها در جهت احسن و بهبود کارآیی است و می تواند آثار بلندمدت زیانبار داشته باشد.

سهم دیپلماسی در بی‌نصیبی ایران از تجارت طلای سرخ

تجارت جهانی زعفران، نامیچ، نانگاه

PDF Compressor Free Version



نگاهی به جزییات نشان می‌دهد بحران زعفران ایرانی، فقدان نگاه صنعتی به این بخش و عدم پیوند آن با تجارت بین‌الملل است. بحرانی که پیش از آن یک اقتصادی باشد یک مشکل بزرگ در سیاست خارجی ایران است

مهدی الیاسی

ایران بهترین هوا و خاک را برای کاشت زعفران داراست. به همین دلیل ۸۵ درصد زعفران دنیا در ایران تولید می‌شود. برای تولید طلای سرخ، خاک زمین باید سبک یا ترکیبی از شن و رس باشد که پیاز زعفران بتواند در خاک علاوه بر تامین مواد غذایی، در مقابل شرایط خاص منطقه‌ای نیز مقاومت نماید. زعفران گیاهی است نیمه گرمسیری و در نقاطی که دارای زمستان ملایم و تابستان گرم و خشک باشد به خوبی می‌روید. مقاومت زعفران در مقابل سرما زیاد است، ولی چون دوران رشد آن مصادف با پاییز و زمستان و اوایل بهار است، طبعا در این ایام به هوای مناسب و معتدلی نیاز دارد. در دوره خواب یا استراحت گیاه (تابستان) بارندگی یا آبیاری برای آن مضر است. اراضی آفتاب گیر و بدون درخت که در معرض بادهای سرد نیز نباشند برای رشد زعفران مناسب است. حداکثر دمای هوا برای این گیاه بین ۳۵ تا ۴۰ درجه سانتی گراد است و در ارتفاع بین ۱۳۰۰ تا ۲۳۰۰ متر از سطح دریا عملکرد خوبی نشان داده است.

مجموعه این عوامل در ایران و به صورت خاص در شمال شرقی ایران (استان خراسان) مهیا است و ایران به جریان اصلی تولید زعفران در دنیا تبدیل شده است.

تجارت زعفران در دنیا با نام ایران گره خورده است. ایران به تنهایی ۸۵ درصد طلای سرخ را تولید می کند اما شاید باور کردنی نباشد که سهم ما از تجارت ۸ میلیارد دلاری زعفران در دنیا تنها ۳۰۰ میلیون دلار است. یعنی کشوری که تولید کننده بیش از چهار پنجم طلای سرخ است تنها ۳,۷۵ درصد از این بازار نصیبش می‌شود

سهم ناچیز از تجارت

تجارت زعفران در دنیا با نام ایران گره خورده است. ایران به تنهایی ۸۵ درصد طلای سرخ را تولید می کند اما شاید باور کردنی نباشد که سهم ما از تجارت ۸ میلیارد دلاری زعفران در دنیا تنها ۳۰۰ میلیون دلار است. یعنی کشوری که تولید کننده بیش از چهار پنجم طلای سرخ است تنها ۳,۷۵ درصد از این بازار نصیبش می‌شود.

پانزده درصد مابقی زعفران دنیا توسط اسپانیا، یونان، ایتالیا، مراکش و هندوستان تولید می‌شود. زعفران در ایران به‌عنوان یک دارویی شناخته می‌شود و مصرف غذایی دارد اما این محصول در دنیا به‌عنوان یک داوری گیاهی شناخته می‌شود و در صنایع داروسازی مورد استفاده قرار می گیرد. این گیاه آرام‌بخش و نشاط آور است و در تولید داروهای ضد افسردگی و قرص‌های آرام‌بخش کاربرد دارد. همچنین به صورت دم کرده برای کاهش فشار خون و همچنین کنترل قند خون و بهبود دیابت کابرد دارد. از مصارف جهانی زعفران استفاده از آن در تولید مواد اولیه صنعت قنادی است. مرغوب بودن زعفران ایرانی باعث شده متقاضیان بسیاری در سراسر دنیا خواهان این محصول ایرانی باشند. بیشترین حجم زعفران ایران به ترتیب اولویت به کشورهای امارات متحده عربی، اسپانیا، چین، عربستان سعودی، هند، سوئد، هنگ کنگ، ایتالیا و تایوان صادر می‌شود. علاوه بر این، کشورهای عراق، بحرین، قطر، کویت، عمان، افغانستان، پاکستان، ژاپن، مالزی، سنگاپور، کره جنوبی، اندونزی و بنگلادش، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، ارمنستان نیز وارد کننده زعفران ایرانی هستند. در میان کشورهای اروپایی نیز انگلستان، فرانسه، آلمان، فنلاند، اتریش، نروژ، دانمارک، رومانی، مجارستان، یونان، بلغارستان و اوکراین سهم قابل توجهی از واردات خود را به زعفران ایرانی اختصاص داده‌اند و در قاره آمریکا نیز ایالات متحده آمریکا و کانادا از جمله کشورهای وارد کننده زعفران ایرانی هستند.

طبق گفته نایب رئیس شورای ملی زعفران در حال حاضر در ایران بیش از ۶۰۰ هزار نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم در ایران در بخش تولید و بسته‌بندی زعفران مشغول به کار هستند که ۹۰ درصد آنان در استان‌های خراسان رضوی و جنوبی فعالند. از سوی دیگر و به گفته وزیر جهاد کشاورزی ظرفیت اشتغالزایی زعفران در کشور بسیار زیاد است و یک هکتار زعفران در سال ۲۰۰ نفر روز شغل ایجاد می‌کند.

با این توصیفات سوال اساسی در این بخش این است که چرا کشوری که جریان اصلی تولید زعفران است، سهمی زیر ۴ درصد در تجارت آن در دنیا دارد؟ این اتفاق تقریبا در تمام بخش‌های اقتصاد ایران بی‌سابقه است. یکی از اصلی‌ترین اشکالاتی که به اقتصاد ایران وارد می‌شود این است که چرا در بخش‌هایی که مزیت نسبی وجود ندارد (مثلا خودرو) سرمایه‌گذاری شده است و بازده آن پایین است. اما به نظر می‌رسد اقتصاد ایران یک اشکال بزرگ‌تر و اساسی‌تر هم دارد و آن این که در بخش‌هایی که مزیت نسبی وجود دارد هم وضعیت به فاجعه نزدیک است. وقتی کشوری ۸۵ درصد یک محصول گران‌بها را تولید می‌کند یعنی در آن بخش مزیت مطلق وجود دارد. اما وقتی سهم این کشور از تجارت جهانی این محصول زیر ۴ درصد است چه نامی می‌توان بر آن نهاد و چگونه می‌توان توصیفش کرد؟ این پرسش پیش می‌آید که اگر ایران در بخشی که در آن مزیت مطلق دارد هم نمی‌تواند در عرصه جهانی رقابت کند، پس در چه بخشی می‌تواند حضور داشته باشد؟

چین یکی از بزرگ‌ترین وارد کنندگان زعفران دنیاست. این در حالی است طبق گفته عضو هیات رئیسه شورای ملی زعفران ایران، تعرفه صادرات زعفران به چین بالای ۳۰ درصد است در حالی که برای دیگر نقاط دنیا زیر ۱۰ درصد است. معنای واقعی این مقدار تعرفه این است که چین عملا ورود زعفران ایرانی را ممنوع کرده است

بحران صادرات

نگاهی به جزییات نشان می‌دهد بحران زعفران ایرانی، فقدان نگاه صنعتی به این بخش و عدم پیوند آن با تجارت بین‌الملل است. بحرانی که پیش از آن که اقتصادی باشد یک مشکل بزرگ در سیاست خارجی ایران است.

در حال حاضر اسپانیا که بعد از ایران و با فاصله بسیار زیاد در تولید زعفران قرار دارد، بدون هیچ مشکلی بازار اروپا را در اختیار دارد. اسپانیا بدون پرداخت هیچ عوارضی و با تعرفه صفر امکان فروش محصول به اروپا را در اختیار دارد. این در حالی است که موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای که اتحادیه اروپا علیه زعفران ایرانی اعمال می کند عملا امکان صادرات مستقیم به اروپا را از بین برده است.

از سوی دیگر چین نیز یکی از بزرگ‌ترین وارد کنندگان زعفران دنیاست. این در حالی است طبق گفته عضو هیات رئیسه شورای ملی زعفران ایران، تعرفه صادرات زعفران به چین بالای ۳۰ درصد است در حالی که برای دیگر نقاط دنیا زیر ۱۰ درصد است. معنای واقعی این مقدار تعرفه این است که چین عملا ورود زعفران ایرانی را ممنوع کرده است. چین یکی از بزرگ‌ترین مصرف کنندگان زعفران در دنیاست، ایران هم بزرگ‌ترین تولید کننده زعفران در دنیا به شمار می‌آید. اما چرا مصرف کننده بزرگ مانع واردات زعفران از صادر کننده بزرگ آن شده است؟ چینی‌ها در حالی با اجناس بنجل خود بازار مصرفی ایران در بسیاری از بخش‌ها را در اختیار دارند که حتی حاضر به واردت محصول با کیفیت و رقابت‌پذیر ایرانی نیستند و صادر کنندگان ایرانی ناچار هستند این محصول را بعضا با یک سوم قیمت به سایر کشورها و به خصوص افغانستان بفروشند و از آن طریق به چین صادر شود.

اینجاست که این پرسش را باید متوجه وزارت امور خارجه کرد که در این میان دیپلماسی در خدمت توسعه کجاست؟ وزارت خارجه و وزارت صنعت، معدن و تجارت چه توضیحی در این خصوص دارند و چه اقداماتی برای حل این مشکل انجام داده‌اند؟

سیل عظیم واردات کالاهای چینی

در این خصوص اعتراض تولید کنندگان و صادر کنندگان ایرانی نسبت به رفتار چینی‌ها کاملا بر حق است و باید پیگیری شود. گلایه اصلی عضو هیات رئیسه شورای ملی زعفران این است که چین جزو اصلی‌ترین صادر کنندگان کالا به ایران است اما برای واردات محصولی مانند زعفران از ایران در حدی سختگیری می کند که عملا آنرا ممنوع کرده است. او می گوید: «مسئولان باید در نظر داشته باشند که سیل کالاهای چینی بدون سختگیری وارد ایران می‌شود اما در مورد محصولی مانند زعفران که کالای اساسی ایرانی برای صادرات به شمار می آید، صادرات به چین عملا ناممکن شده است.»

به نظر می‌رسد در حال حاضر اصلی‌ترین اولویت وزارت صنعت، معدن، تجارت و وزارت امور خارجه باید پس گرفتن بازارهای جهانی باشد، آن هم در حوزه‌ای که ایران مزیت مطلق دارد و محصولی کاملا رقابت پذیر عرضه می‌کند. زعفران آزمونی برای راستی آزمایی مسئولان دولتی برای رشد صادرات غیر نفتی است. اگر کشوری که ۸۵ درصد زعفران دنیا را تولید می کند باید بتواند حداقل نیمی از تجارت آنرا نیز کنترل کند. اما در حال حاضر سهم ایران از تجارت ۸ میلیارد دلاری زعفران دنیا ۳,۷۵ درصد است. این عدد معنایی جز فاجعه ندارد.

اما و اگرهای عرضه نفت خام در بورس

خریداران باید از شرکت ملی نفت مجوز بگیرند



بعد از اینکه معاون رئیس جمهوری اعلام کرد که نفت خام قرار است در بورس عرضه شود مسئولان بورسی می گویند ساز و کار عرضه نفت خام در بورس فراهم است اما تردیدهایی هم در این مورد وجود دارد.

به گزارش ایسنا چندی پیش اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری درباره نحوه فروش نفت ایران در دوران تحریم گفت که «نفت خام ایران در بورس داخلی عرضه خواهد شد تا بخش خصوصی، شفاف نفت بخرد و صادر کند. برنامه ما این است که در کاهش فروش نفت خود، حتما کاری کنیم که آمریکایی‌ها را به شکست بکشانیم. این در دولت و وزارت نفت برنامه ریزی شده است و مطمئنیم که نفت را در حد نیاز خواهیم فروخت.»

بعد از این اظهارات جهانگیری، سید علی حسینی - مدیرعامل بورس انرژی - گفت: تا به حال نفت خام در بورس انرژی عرضه نشده فقط در مقطعی در سال ۱۳۹۳ در حجم‌های بسیار کم برای پالایشگاه‌های کوچک داخل کشور که عددش بسیار کم بود صورت گرفته بود.

وی ادامه داد: با توجه به اینکه در بورس انرژی عرضه میعانات گازی را همزمان شروع کردیم و این محصول برای مصرف پالایشگاههای کوچک داخلی مناسب‌تر بود آنها خوراکشان را از این میعانات تامین کردند. پیش بینی می‌کنم عرضه نفت خام در بورس در ابتدا با حجم‌های محدود شروع شده و بعد از تجربه ساز و کارهای مختلف خریدار و فروشنده نیز وارد بازار می‌شوند.

حسینی گفت: فروش نفت خام در انحصار شرکت ملی نفت است و تمام خریداران حقوقی که تائیدیه‌های اول خود را از شرکت ملی نفت دریافت کنند و کد معاملاتی بگیرند می‌توانند وارد معاملات نفت خام شوند.

در این مورد - رئیس سازمان بورس - نیز به تازگی گفته که عرضه نفت کوره و سایر فراورده‌های نفتی در بورس انرژی از مدتها پیش در حال انجام بوده، بنابراین فروش نفت خام در بورس انرژی نیز امکان پذیر است.

شاپور محمدی همچنین اظهار کرده که همانند قراردادها و معاملات آتی سکه، امکان انجام معاملات آتی (غیرنقدی) نفت خام در بورس انرژی نیز فراهم است. تاکنون با بانک مرکزی و وزارت خانه‌های نفت و وزارت امور اقتصادی و دارایی مذاکره و مکاتبه‌هایی را در این باره انجام داده‌ایم.

علی کاردر - مدیرعامل شرکت ملی نفت - نیز درباره عرضه نفت خام در بورس، گفته که اجرای این طرح را با عرضه میعانات گازی که مشابه نفت خام است، آغاز خواهیم کرد. اما مسایلی وجود دارد که باید رفع شود، از جمله بر اساس قانون، پول حاصل از فروش این اقلام باید به حساب بانک مرکزی واریز شود. بانک مرکزی اعلام کرده است که شرکت سپرده گذاری مرکزی بورس را قبول ندارد، زیرا نمی شود به نهادی که غیردولتی و خصوصی است، پول واریز کنیم. البته شرکت ملی نفت، بانک مرکزی و سازمان بورس در حال بررسی این موضوع و رفع موانع هستند.

اما با تمام این اظهارات هنوز در عرضه نفت خام در بورس تردید ها و موانعی وجود دارد ولی ظاهرا تلاش ها به سمتی است که نفت خام در بورس انرژی عرضه شود.